



آسیب شناسی قیمت گذاری در ایران

شناسایی قوانین، مقررات و سیاستهای قیمت گذاری

تحلیل نظام قیمت گذاری ایران از منظر قوانینی که بطور مستقیم با هدف تعیین و یا تثبیت قیمتتها تصویب شده‌اند حاکی از نقش و تاثیر گسترده دولت در تعیین سطح و ساختار قیمت کالاها و خدمات مختلف طی سه دهه گذشته بوده است؛ به گونه ای که نظام قیمتگذاری کشور به جای اینکه ابزاری برای تحقق اهداف حمایتی و تولیدی باشد تبدیل به هدف نهایی شده است. به علاوه تصویب قوانین گوناگون با موضوع و رویکرد مداخله در نظام قیمت گذاری و البته در برخی موارد با ماهیت متضاد، در پاسخ به سیاست هایی بوده است که عمدتاً با هدف تثبیت قیمت و جلوگیری از نوسان و رشد قیمتتها اتخاذ شده اند.

بر پایه مجموعه متکثر قوانین و مقررات، رویه های گوناگونی در موضوع قیمتگذاری ایجاد شده اند که در این گزارش ابعاد و جزئیات این قوانین و مقررات بررسی شده است.

برخی از مهمترین یافته های بررسی قوانین و مقررات قیمتگذاری طی سالهای ۱۳۹۷-۱۳۵۸، به شرح ذیل بوده است:

- از میان ۴۵۰ قانون و مقرره وضع شده (اعم از آیین نامه، تصمیمنامه، حکومتی، رای و ...) تعداد قوانین و مقررات معتبر، موقت، منتفی با اجرا، منسوخه و تنفیذی به ترتیب عبارتند از: ۲۵۰، ۱۱۱، ۷۹، ۸، ۲
- از حیث مراجع تصویب نیز بیشترین قوانین و مقررات وضع شده طی سالهای فوق مربوط به شورای اقتصاد، هیئت وزیران و نمایندگان ویژه رئیس جمهور به ترتیب با ۲۳۵، ۹۵ و ۵۹ عنوان قانون یا مقرره بوده است.
- از حیث مصوبات وضع شده به تفکیک برنامه های توسعه نیز بیشترین مصوبات وضع شده به ترتیب مربوط به برنامه های سوم، چهارم، اول، دوم، پنجم و ششم توسعه با ۱۰۴، ۹۵، ۹۱، ۸۳، ۴۹ و ۱۳ عنوان بوده است.
- از حیث زمان وضع قوانین و مقررات نیز بیشترین مصوبات وضع شده مربوط به سال ۱۳۶۹ با ۲۶ عنوان بوده است.
- طبقه بندی تعداد مقررات وضع شده به تفکیک کالا نیز طی سالهای ۱۳۹۷-۱۳۵۸ حاکی از آن است که از میان ۱۰۲ مصوبه وضع شده در خصوص کالاهای مختلف، بیشترین فراوانی در میان مصوبات

قیمت گذاری به ترتیب مربوط به قیمت تضمینی محصولات کشاورزی، نرخگذاری کالاها و خدمات، کود و شیر به ترتیب با ۵۴، ۴۱، ۲۴ و ۱۷ مورد بوده است.

- در مجموع، آسیب شناسی این ساز و کارها و فرایندهای تقنینی در حوزه قیمت گذاری بیانگر این واقعیت است که هرچند جهتگیری کلی قوانین و مقررات ناظر بر قیمتگذاری، به ویژه پس از تصویب قانون هدفمندسازی یارانه ها و اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، به سمت کاهش تعداد و اقلام مشمول قیمتگذاری و همچنین تقویت ساز و کارهایی در راستای کاهش مداخلات دستوری دولت بوده است اما تحولات این حوزه غالباً جهتگیری فوق را تضعیف کرده و تمایل سیاستگذاران به مداخلات زیاد و غیر اصولی در بازارهای مختلف افزایش یافته است.

مهمترین دلایل پابرجا ماندن تمایل سیاستگذاران به مداخله قیمتی در بازارهای مختلف را میتوان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- نگاه کوتاه مدت در تصمیمات مرتبط با نظام قیمتگذاری کشور
- ۲- تمایل به استفاده از ساز و کار قیمتگذاری به عنوان یک هدف
- ۳- عدم توجه به ارتباط علت و معلولی سیاستهای مختلف از جمله سیاستهای پولی و ارزی و اثرگذاری آنها بر افزایش سطح قیمتها
- ۴- نبود نهادهای حامی مصرف کننده و تلاش برای حمایت از مصرف کننده صرفاً از طریق کنترل قیمت که غالباً نیز ناموفق است.

نتیجه نهایی اینکه، عدم توجه به اثرات تداخل سیاستهای مالی، ارزی و تعرفه ای و تاثیراتی که این سیاستها میتوانند بر سطح قیمتها داشته باشند، حلقه مفقوده نظام قیمتگذاری کشور است. ریشه یابی تغییرات شدید قیمت، شرط لازم اتخاذ سیاستهای کلان در حوزه تنظیم بازار و قیمتگذاری است. با انتخاب ابزار موثر و داشتن نگاه کلان میتوان هزینه، دامنه و عمق مداخلات در حوزه قیمتگذاری را محدود کرد.

Iranian Steel Rolling Association

منبع: گزارش شماره ۱۸۰۸۴ مرکز پژوهش های مجلس